از سر دلسوزی

بگذرد دوران هجران نیز هم

نیوشا طبیبی

۱- در زمان گرفتاری و سختی یار و غمخوار یکدیگر بودن، مروت و مهربانی است. در این روزها که قیمت هر چیز بی‌دلیل و با دلیل افزایش پیدا می‌کند، باید از سخت گرفتن به همدیگر پرهیز کنیم. هر بار به دلیلی مشکلات اقتصادی به ایران تحمیل می‌شود و پول ملی بر پایه واقعیات و شایعات ارزش خود را از دست می‌دهد، اختلافات مالی بین مردم هم اوج می‌گیرد و فشارهایی که خود ما به یکدیگر می‌آوریم بیشتر می‌شود. ای کاش وقتی کار بر کشور و مردم اندکی سخت شده است رعایت یکدیگر را بکنیم. حرص زدن و فشار آوردن به همدیگر برای اندکی پول بیشتر فقط وضعیت عمومی و شرایط همگانی را سخت‌تر می‌کند. این زمان هم می‌گذرد و ایران همچنان که هزار بار دیگر بر پای خود ایستاده است، باز هم بر پای خود خواهد ایستاد.

۲- دوستی برایم تعریف می‌کرد که مالک با او تماس گرفته و خواسته که میزان رهن و اجاره را دو برابر - دقیقا دو برابر - افزایش دهد! ۳۵ میلیون رهن را ۷۰ میلیون و اجاره ۳۵۰ هزار تومانی را به هفتصد هزار تومان تبدیل کند. اگر نمی‌تواند آپارتمان ۸۰ متری را زودتر تخلیه کند تا جناب مالک بیش از این متضرر نشود!

۳- کابینت‌ساز که برای تعمیر و نوسازی کابینت‌های آشپزخانه مادرم آمده بود و قراری برای قیمت و شیوه پرداخت و غیر از اینها گذاشته بود، با من تماس گرفت و گفت چون قیمت‌ها افزایش پیدا کرده نمی‌توانم کار را ادامه بدهم. به عرض رساندم، شما که جنس را خریده‌اید و آورده‌اید و کالای ایرانی که قاعدتا گران نشده است، هزار داستان برایم تعریف کرد تا مرا متقاعد کند که باید پول بیشتری بپردازیم تا کار را ادامه دهد.

۴- همه ما تعداد زیادی از این داستان‌ها را می‌شنویم یا خود در این ماجراها درگیر هستیم. مشارکت کردن در حل معضلات و رفع مظالمی که بر وطن می‌رود نیازمند حس همدلی و همراهی است. به تجربه دریافته‌ایم که هرگاه ایران شاخص‌های اقتصادی خویش را بهبود داده، سرمایه‌هایی را از اطراف دنیا برای توسعه جذب کرده، رقبا و حاسدان و دشمنان ایران، دست به کار شده‌اند و داستان‌ها از خطر ایران سراییده‌اند تا از پیشرفت کشور و بالندگی ملت جلوگیری کنند.

۵- ایران در طول تاریخ بلند خود همواره محسود دیگران بوده، این سرزمین سربلند، مردمی مقاوم داشته که با تکیه بر سرزمین خود دست همت به کمر زده و کار را به روال بازگردانده‌اند. این قصه‌هایی که بر ایران می‌رود و پیش از این رفته مصداق جمله معروف «دردی که تو را نکشد، قوی‌تر خواهد ساخت.» است. ایران هربار قوی‌تر بازگشته است.

این روزها می‌گذرد همان طور که ایام جنگ تحمیلی جهانی علیه ایران گذشت و دشمنان با پشتیبانی بی‌حد و حصر و نامعمول از متجاوز جنایتکار آنچه توانستند انجام دادند تا ایران را به زانو درآورند و البته که نتوانستند. آن روزها گذشت و روسیاهی به کسانی ماند که در آن شرایط سخت، قوت و نان مردم را به طمع اندکی سود بیشتر احتکار کردند و کار را بر مردم سخت‌تر کردند.

۶- ایرانیان بر طریقه‌ای زندگی می‌کرده‌اند که هر سختی و معضل و تنگی را اول مشیت الهی و دوم موضوعی قابل حل می‌دانسته‌اند که می‌گذرد. این خلق و روحیه بی‌نظیر سبب شد که در سخت‌ترین شرایط با مقاومت عاقبت پیروز میدان شوند. از حمله مغول سخت‌تر در تاریخ ایران نداریم، ببینید چگونه یکی دو نسل بعد مغولان در فرهنگ ایران غرق و بعد هضم شدند و اسامی و مذهب خود را تغییر دادند و صوفی و شاعر و مفتی شدند و تمام!

۷- این روزها می‌گذرند و ایام آسان‌تر به زودی می‌رسند، طوری با یکدیگر رفتار کنیم که رشته‌های محبت و رفاقت را برای اندکی سود بیشتر پاره نکنیم، با یکدیگر مدارا کنیم، میهن را در نظر داشته باشیم و به هموطنان خود چون اعضای خانواده نگاه کنیم که در سختی باید کنار یکدیگر بایستیم تا بر مشکلات پیروز شویم. ادبیات ما سرشار است از امید به آینده و گذرا بودن تنگی و سختی. امید در جای‌جای حکمت ایرانی دیده می‌شود و همین امید ایران را از ابتدای تاریخ تاکنون بر پا نگاه داشته است. مبادا در سناریوی دشمنان و بدخواهان ایران بازی کنیم و نا امید شویم یا دیگری را ناامید کنیم. چون سرآمد دولت شب‌های وصل، بگذرد دوران هجران نیز هم.

دیدگاه

جاده‌های مساله‌ساز

سیداحسن علوی

حادثه تاسف‌آور برخورد تانکر حامل مازوت در کمربندی سنندج که منجر به جان باختن شماری از مردم شد از چند جهت قابل بررسی و تامل است. این حادثه به دلیل نقص فنی تانکر رخ داده است و باز هم این مساله را به ما یادآوری می‌کند که باید نظارت بر رفت و آمد تانکرهای حامل مواد سوختی در جاده‌های کشور تشدید شود. این اولین بار نیست که چنین اتفاقی در کشور روی می‌دهد به خصوص در جاده‌های استان کردستان ما پیش از این هم با بروز حوادث مشابهی روبه‌رو بوده‌ایم. روزانه تعداد زیادی تانکر حامل مواد سوختی در جاده‌های استان کردستان از جمله جاده سنندج- مریوان و سنندج- کامیاران رفت و آمد می‌کنند. در موارد مشابهی بر اثر واژگون شدن تانکرها مواد سوختی در طبیعت رها شده‌اند و به محیط زیست و رودخانه‌های منطقه آسیب جدی وارد کرده‌اند. یا اینکه حدود سه سال پیش بر اثر برخورد یک تانکر با چند خودروی سواری در حوالی روستای «قرآن نگل» چند خانواده در آتش سوختند. اینها مشکلات عدیده‌ای بوده است که بارها درباره‌شان تذکر داده شده اما تمهیدی برای نظارت بر رفت و آمد آنها صورت نگرفته است. نظر ما این است که تردد تانکرهای حامل سوخت که عمدتا به سمت عراق می‌روند به جای جاده‌های کم‌عرض سنندج- مریوان و سنندج- کامیاران به مسیر جایگزین مرز پرویزخان (قصرشیرین) منتقل شود. جایگزینی مرز پرویزخان موجب می‌شود هم تانکرها مسیر کوتاه‌تری طی کنند و همین طور آن جاده به دلیل چهار بانده بودن کیفیت و استاندارد بهتری داشته باشد. در حالی که رفت و آمد ماشین‌ها در مسیر سنندج- مریوان و سنندج- کامیاران به طور طبیعی به دلیل رفت و آمد خودروهای سبک شلوغ است. در کنار اینها باید کنترل معاینه فنی تانکرهای حامل مواد سوختی هم با دقت بیشتری کنترل و نظارت عالیه در این زمینه قوی‌تر اعمال شود. در این صورت می‌توانیم از تکرار این حوادث تلخ در استان کردستان جلوگیری کنیم.

نماینده سنندج، دیواندره و کامیاران

خبر

تاکید بر اجرای دقیق طرح تنفس جنگل‌ها

گروه اجتماعی | خلیل آقایی، رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور گفت: طرح تنفس جنگل امروز یک قانون است. نکات و نظرات کارشناسی جای خود دارند اما همه ما موظف به تبعیت از قانون هستیم. به گزارش «اعتماد» و به نقل از روابط عمومی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران، خلیل آقایی، معاون وزیر و رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در جلسه شورای اداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران گفت: توجه به درختان ریشه‌کن شده، افتاده و پوسیده نباید توجیهی برای عدم اجرای این قانون شود. رییس سازمان جنگل‌ها با تاکید بر لزوم فعال شدن زراعت چوب، گفت: «در این خصوص نباید تحت فشارهای بیرونی قرار گیریم. خودمان به عنوان سازمان باید به این نتیجه و تصمیم برسیم که چه کاری باید بکنیم و چه کاری نباید بکنیم.»

چهل‌ستون، نقش جهان و مسجد جامع عتیق در معرض خطر

قدرت‌الله نوروزی، شهردار اصفهان در آیین افتتاح سومین فاز از نخستین خط قطار شهری اصفهان گفت: اصفهان شهری تاریخی و فرهنگی است و می‌تواند به کمک گردشگری توسعه پیدا کند. چهل‌ستون، نقش جهان و مسجد جامع عتیق که همه به آنها افتخار می‌کنیم به دلیل خشکسالی و فرونشست در معرض خطر قرار دارند. همه پل‌های اصفهان به‌شدت تشنه‌اند. این شهر که دستاورد تاریخ ایران است به خاطر خشکسالی در معرض خطر است. شهرداری‌ها اگر مورد حمایت دولت‌ها قرار بگیرند و اختیارات بیشتری داشته باشند می‌توانند بسیاری از نارضایتی‌ها را برطرف کرده و اعتماد عمومی را جلب کنند. با کلانشهرها ارتباط برقرار کنید. باید حرف کلانشهرها شنیده شود. **ایسنا**

اعلام نحوه رتبه‌بندی سمن‌های جوانان در حوزه گردشگری

محمدمهدی تندگویان، معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان ضمن تشریح جزییات و نحوه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در حوزه گردشگری و بوم‌گردی، از رتبه‌بندی این سمن‌ها از سال آینده خبر داد و با بیان اینکه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه گردشگری به تازگی و به صورت آزمایشی شروع شده است، اظهار کرد: طی مدت اخیر توانستیم شبکه گردشگری جوانان را تشکیل دهیم. در کشور حدود ۷۰ تشکل داریم که در زمینه گردشگری و بوم‌گردی فعال هستند. ایجاد شبکه گردشگری بسیار متنوع است برای مثال سازمان مردم‌نهادی که ممکن است یک خانه قدیمی را در روستایی در اختیار داشته باشد، آن را به ظرفیت بوم‌گردی تبدیل کند. با ایجاد شبکه و تخصصی شدن این اقدامات تعداد توریست‌ها و گردشگران بیشتر می‌شود. تندگویان در مورد هماهنگی و همکاری با میراث فرهنگی و گرفتن شناسه ثبت تمام سمن‌های فعال در حوزه گردشگری نیز گفت: با دریافت این شناسه سازمان‌های مردم‌نهاد به یک شبکه تبدیل می‌شوند که می‌توانند بحث گردشگری را در کل کشور هدایت کنند. در کشور هفت پهنه تعریف شده است و هفت نفر از دبیران تشکل‌ها مسوول این پهنه‌ها شده‌اند و موظفند تمامی استعدادهای گردشگری منطقه را رصد کنند و نظم گردشگری کشور را با ایجاد شبکه تخصصی ایجاد کنند. این اقدامات تشکل‌ها را به‌شدت تقویت می‌کند. **ایسنا**

گفت‌وگو

اصغر مهاجری، جامعه‌شناس در تحلیل مراسم ختم وحید مرادی

ساده نگاه نکنید

حمیدرضا خالدی

هفته گذشته حضور گسترده شهروندان در مراسم تشییع جنازه «وحید مرادی» از سابقه‌داران پایتخت که در زندان کشته شده بود، باعث حیرت شد. گرچه پیش از این نیز تهران‌نشینان، سابقه حضور میلیونی شهروندان در مراسم‌های خاکسپاری هنرمندان و چهره‌های سلبریتی را داشتند اما حضور این خیل عظیم جمعیت برای حضور در تشییع جنازه فردی خلافکار که بارها نقض قانون کرده و سابقه بارها ضرب و جرح و حتی قتل را در کارنامه خود داشت، مساله عجیبی بود که به سادگی نمی‌توان از آن گذشت. مساله‌ای که خیلی‌ها آن را ناشی از تمایل و تغییر نگرش مردم به لوطی‌ها و لات‌های عهد نه چندان دور می‌دانند و اینکه شهروندان دوباره به سمت داش‌مشتی‌ها و گنده‌لات‌ها تمایل پیدا کرده‌اند. همین مساله بهانه‌ای شده برای گفت‌وگویی با دکتر اصغر مهاجری، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی با محوریت آسیب‌شناسی رفتار مردم در مراسم‌های چهره‌های منفی و خلافکار کشور.

■ آقای دکتر، درهفته گذشته شاهد حضور بی‌سابقه مردم در مراسم تشییع جنازه وحید مرادی، شرور مشهور تهران بودیم. به همان نسبت هم به در فضای مجازی تصاویر مختلف و طرح‌ها و کلیپ‌های فراوانی از وی دست به دست می‌شد و به بیانی یک‌شبه لات‌ها در جامعه دوباره جان گرفتند. این پدیده‌ای است قابل تامل که چند سالی در کشور ما مد شده است. نمونه‌های آن را می‌توان در مراسم خاکسپاری «مرتضی پاشایی» و از این دست هم جست‌وجو کرد. اما یک تفاوت اصلی بین اینها وجود دارد. اینکه افرادی مثل پاشایی به هر حال چهره‌هایی فرهنگی بودند ولی در عوض فردی مثل مرادی، اصولا چه از لحاظ قانونی و چه از لحاظ عرفی، فردی شرور و سابقه‌دار بوده است. واقعا چرا جامعه تا این حد باید به مراسم تشییع جنازه چنین فردی اقبال نشان دهد ولی در عوض در مراسم بسیاری از چهره‌های فرهنگی و علمی، به تعداد انگشتان دو دست هم شرکت نکنند؟

به نظرم نباید این‌گونه ساده به مساله نگاه کرد. چون اصولا هر پدیده اجتماعی ریشه در بطن جامعه دارد. در این مورد هم وضعیت به همین منوال است. در جامعه ما شهروندان نمی‌توانند به صورت مستقیم با بخش حاکمیتی و حکومتی صحبت کنند. لذا آن رفتار و گفتاری که از آنها می‌بینید، لزوما بیانگر تفکر و خواسته آنها نیست. در واقع رفتارهای شهروندان در این جامعه به نوعی آلارم‌هایی هشداردهنده از شکایت و گلایه مردم از شرایط کنونی برای مسوولان هستند. در زمان کنونی نیز مردم ما از وضعیت موجود ناراضی‌اند. حالا دلایل آن هر چه می‌خواهد باشد. چه دلایل آن فرهنگی باشد، چه دلایل اجتماعی داشته باشد و چه شرایط اقتصادی موجب آن باشد.

■ یعنی می‌خواهید بگویید مردم در این مراسم‌ها، فرصتی برای اعتراض خود پیدا می‌کنند؟ ولی این نمی‌تواند درست باشد چون مردم که در این مراسم‌ها، آشوب و تنشی به وجود نمی‌آورند.

شاید من درست مقصودم را بیان نکردم. حتما می‌دانید که مردم ما، مردمی احساسی هستند. درحقیقت شهروندانی که به وضعیت موجودشان اعتراض دارند، تلاش می‌کنند تا با ابراز همدردی اعتراض خود را بیان کنند. برای همین هم هست که به طرق مختلف تلاش گسترده‌ای را انجام می‌دهند تا از دختر خانمی که شاید در اقدامی خلاف عرف انجام داده و تصاویر رقص خود را که در قانون ما غیرقانونی است را منتشر کرده، حمایت کنند. به همان شیوه معترضان با علاقه در مراسم تشییع جنازه فردی که قانون‌شکن و شرور بوده، با این تفکر که وی تحقیر شده به صورتی گسترده حاضر می‌شوند. و هم عدم رضایت‌شان را ابراز می‌کنند. درحقیقت این همبستگی‌ها با تغییرات نظام ارزشی جامعه رابطه‌ای مستقیم دارد. در مورد چهره‌های علمی و فرهنگی هم همین طور است. نمونه آن تشییع جنازه مرحوم «ناصر ملک‌مطیعی» است. البته این یک عامل نگران کننده است ولی تنها عامل نگران‌کننده نیست.

■ و دیگر چه عواملی در این امر دخیل است؟

دومین عامل نگران‌کننده روانشناختی جامعه که مسوولان باید آن را بشنوند این است که مردم نسبت به گذشته خود احساس نوستالژیکی پیدا کرده‌اند. یعنی با دیدن نمادهایی از گذشته رفتارهای عاطفی از خود نشان می‌دهند و می‌گویند؛ «حیف شد» چه دوران خوبی بود و... این حس نوستالژیکی اگر تبدیل به امری توده‌ای شود نشانه خوبی نیست. حالا یک وقتی فردی به شخصه احساس نوستالژیک می‌کند و به گذشته خود غبطه می‌خورد که این، چندان مهم نیست. اشکال از جایی آغاز می‌شود که درصد بالایی از جامعه حالت نوستالژی به خود بگیرند. آن وقت است که مسوولان باید احساس خطر کنند.

فرسایش سرمایه اجتماعی و لاغر شدن قشر متوسط جامعه، بسیار نگران‌کننده است. چون هرچقدر که قشر متوسط را از دست بدهیم، به همان نسبت جامعه را از دست داده‌ایم. بانک مرکزی چند وقت قبل اعلام کرد که فاصله قشر متوسط از قشر فقیر تنها ۱۵ درصد است. یعنی به هم خیلی نزدیک شده‌اند. این هشداری خطرناک برای مسوولان است.

■ منظورتان حدودا چند درصد جامعه است؟

ما در زبان‌شناسی معتقدیم که وقتی که فراگیری یک پدیده اجتماعی؛ مرز ۲۵ درصد را رد کند، آن پدیده اپیدمی و فراگیر است. چرا؟ چون درست است که برای رسیدن به مرز فراگیری ۲۵ درصدی، زمان زیادی صرف شده باشد، ولی در مقابل، از آن به بعد رشد و توسعه و فراگیری این پدیده با سرعتی بسیار بیشتر از گذشته، پیش خواهد رفت. درست مثل موضوع بستن کمربند خودرو. اول فراگیر شدن این امر، به کندی پیش رفت ولی به یکباره سرعت گرفت و در مدت کمی همه آن را اجرا می‌کردند. البته این چیز جدیدی نیست و براساس قوانین جامعه‌شناسی، فرسایش سرمایه اجتماعی و لاغر شدن قشر متوسط جامعه، بسیار نگران‌کننده است. چون هرچقدر که قشر متوسط را از دست بدهیم، به همان نسبت جامعه را از دست داده‌ایم. بانک مرکزی چند وقت قبل اعلام کرد که فاصله قشر متوسط از قشر فقیر تنها ۱۵ درصد است. یعنی به هم خیلی نزدیک شده‌اند. این هشداری خطرناک برای مسوولان است.

■ چرا؟

چون اصولا در هر جامعه‌ای طبقه متوسط، پاسدار جامعه و نظام ارزش‌های آن است. به بیانی قشر متوسط هستند که سرنوشت یک جامعه را تعیین می‌کنند. حالا اگر تحولات بنیادی در برخی نظام‌های ارزشی جامعه به خصوص در بین قشر متوسط رخ دهد؛ باید منتظر فراگیر شدن آن و تبعات و خطراتی که خواهد داشت، باشیم. در مورد لوطی‌ها و لات‌ها نیز وضعیت به همین گونه است. الان حس نوستالژی در مورد لوطی‌ها، فراگیر شده و به‌شدت اوج گرفته است. بنابراین برگزاری چنین مراسمی دور از انتظار نیست. البته در این بحث نباید از موضوع جامعه‌شناسی انقلاب نیز غافل بود.

■ جامعه‌شناسی انقلاب به این مساله چه ارتباطی دارد؟!

ببینید، اصولا ماحصل پیروزی هر انقلابی اصل برگشت‌پذیری آن است. یعنی ارزش‌های رایج جامعه، بعد از مدتی دوباره به جامعه برمی‌گردند. مثلا در مورد انقلاب خود ما، بعد از سال ۵۷، اکثر اسامی از شکل اسامی ملی و ایرانی مثل کوروش و داریوش به اسامی مذهبی تبدیل شدند اما دوباره بعد از چند سال اقبال مردم به نامگذاری فرزندان‌شان براساس اسامی ایرانی و ملی بیشتر شد. یا مثال دیگر، هویت «ثروتمند»ی است. در سال‌های اولیه انقلاب از دید عموم، ثروتمندان افرادی منفور و فاسد بودند که باید از آنها دوری می‌کردند و مایه ننگ خانواده‌ها تلقی می‌شدند اما به تدریج این مسیر تغییر کرد و الان کار به جایی رسیده که دوباره فرد ثروتمند باعث افتخار خانواده و نزدیکان است. لوطی‌گری یا فیلم‌های فارسی هم از این قاعده مستثنی نیستند. کما اینکه امروز مردم به این قشر تمایل زیادی پیدا کرده‌اند. البته این رویه نیز، رویه‌ای طبیعی برای انقلاب‌هاست. یعنی انقلاب‌ها نمی‌توانند با همان شرایط هیجانی اولیه به حیات خود ادامه دهند و در نهایت جوامع به همان هویت اصیل و قدیمی خود برمی‌گردند.

■ گفتید مسوولان باید نگران باشند. در کدامیک از این سه مورد خطر بیشتر است؟

به نظرم اگر تحلیل سوم ما، تحلیل غالب باشد جای نگرانی چندانی وجود ندارد ولی اگر دو تحلیل اول، در مورد رفتار مورد سوال شما غالب باشد، باید مسوولان به‌شدت نگران باشند!

■ خب چطور باید فهمید که کدامیک از این سه تحلیل دلیل رفتارهای کنونی مردم است؟

باید دولت از طریق گروه‌های پژوهشی و دانشگاهی این موضوع را بررسی کند و از روی نتایج آن تحلیل کرد. و در این راه وظیفه مسوولان نیز این است که به رفتارهای اینچنینی مردم، به صورت «عمیق» توجه داشته باشند و از کنار آن به سادگی نگذرند و دایم تلاش نکنند تا هر حرکتی را به موضوعات سیاسی مرتبط کنند. چرا که اگر چنین نکنند، خروجی آن از شیوه‌هایی مثل آشوب‌های اخیر خیابانی سر باز می‌کند.

■ یعنی شما معتقدید که منشأ اعتراض‌های خیابانی مردم، در ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناسی آنها نهفته است تا اینکه بخواهد جنبه سیاسی داشته باشد؟

بله. دقیقا. البته مسیر حرکت‌ها و تحرکات سیاسی هم از جامعه می‌گذرد. یعنی سیاست هم در کالبد همین جامعه شکل می‌گیرد و ناشی از خواسته‌های مردم و شهروندان است. بنابراین با تمام این تفاصیل می‌توان به صورت خلاصه گفت: مسوولان باید حضور مردم در مراسم‌هایی مانند تشییع جنازه وحید مرادی را جدی بگیرند و نه تنها به سادگی از کنار آنها بگذرند که تیم‌هایی را برای بررسی ابعاد مختلف آن و ارایه راهکارهایی برای حل آنها، تشکیل دهند.

میراث

در جریان گودبرداری در کاخ سعدآباد اتفاق افتاد

کشف سازه سنگی در محل آمادگاه گارد سلطنتی

گروه اجتماعی | روز گذشته در جریان حفاری‌های مجاور کاخ سعدآباد سازه‌ای سنگی کشف شد. این مکعب سنگی که به گفته شاهدان محلی از سنگ یکپارچه ساخته شده و با آهک پوشیده شده بود، در محلی که به نام آمادگاه گارد سلطنتی مورد استفاده بود، کشف شده است. روز گذشته که بیل‌های مکانیکی در حال گودبرداری در محل آمادگاه گارد سلطنتی بودند، سازه‌ای نمایان شد. حجم و شکل سازه به گونه‌ای بود که ابزار و ماشین‌های موجود در محل قادر به جابه‌جایی آن نبودند. شاهدان محلی به «اعتماد» می‌گویند: «چنین چیزی در ۱۱۴ هکتار سعدآباد غیرمتعارف است. سنگ ابتدا به شکل مکعب مستطیل صیقلی بود اما لودرها تلاش کردند آن را از جابه‌جا کنند و همین باعث شد که سنگ از حالت یکپارچه خارج شود. گودبرداری‌های اطراف سنگ ادامه دارد و عمیق شدن گودال اطراف سازه نشان می‌دهد که حجم مکعب مستطیل بزرگ‌تر از چیزی است که از خاک بیرون آمده.» این در حالی است که حفاری‌ها در محوطه‌های تاریخی باید زیرنظر میراث فرهنگی انجام شود تا چنانچه در جریان حفاری، شیء یا سازه‌ای کشف شد کارشناسان میراث فرهنگی بررسی‌های اولیه را در مورد آن انجام دهند. اما گویی مدیر مجموعه سعدآباد علاقه‌ای به مداخله در موضوع و پاسخ به رسانه‌ها ندارد. مجموعه فرهنگی- تاریخی سعدآباد در سال‌های گذشته شاهد رفت و آمد مدیرانی بوده که با مدیریت‌های کوتاه‌مدت فارغ از نظارت رسانه‌ها و مدیران سازمان میراث فرهنگی تصمیمات و اقداماتی را اجرایی کرده‌اند و به هیچ‌وجه پاسخگوی رسانه‌ها برای اتفاقاتی که در این مجموعه می‌افتد، نبودند و نیستند. ساخت رستورانی برای فرزند یکی از مدیران ارشد سازمان در بخش شمالی مجموعه و تعبیه درب ورودی از خیابان دربند به فضای داخلی مجموعه، ترددهایی که تا پاسی از شب مشتری‌های کافه‌های داخلی مجموعه را جابه‌جا می‌کنند (در صورتی که ساعت کاری مجموعه تا ساعت ۶ عصر است) دخل و تصرف‌هایی که در مجموعه اتفاق می‌افتد و اجاره غرفه‌های مختلف در محوطه باغ سعدآباد، بدون شفاف‌سازی در مورد مسائل مالی و نحوه واگذاری غرفه‌ها و... همه مواردی است که مدیران این مجموعه در دوران کوتاه‌مدت مدیریت خود در مورد آنها تصمیم می‌گیرند. شهریور ۹۵ بود که موضوع تخلیه خانه‌های کارگری که در مجاورت کاخ سعدآباد قرار داشت، حاشیه‌ساز شد. آن روزها فرماندار شمیران سکونت افرادی را که بازنشستگان سازمان میراث فرهنگی بودند، در خانه‌های کارگری مجتمع مسکونی اخگر (در مجاورت کاخ سعدآباد) غیرقانونی دانست. این اظهارات در حالی مطرح شد که ساکنان این مجتمع پیش از پیروزی انقلاب در این منازل سکونت داشتند و در مجموعه سعدآباد مشغول به کار بودند و مجوز سکونت خود را در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب دریافت کرده بودند. پس از جنجال‌هایی که اظهارات فرماندار ایجاد کرد و پوشش رسانه‌ای این اتفاق، مدتی موضوع مسکوت ماند اما سال گذشته بالاخره خانه‌های این منطقه تخلیه شد و لودرها دست به کار شدند، اصطبل سلطنتی و بناهای مجاور آن و همچنین خانه‌هایی که در همسایگی کاخ سعدآباد قرار داشت، تخریب شدند. حالا نوبت به بنایی رسیده که زمانی برای آمادگی نیروهای گارد سلطنتی مورد استفاده بود، بنایی که سازه‌ای مرموز در میان آن سر از خاک برآورده و پیش از آنکه کسی اطلاعات بیشتری در مورد آن کسب کند کاملا تخریب شد.

حادثه

۱۱ کشته و ۹ مجروح تصادفی رقم زد که خشم مردم سنندج را در پی داشت

آتش و دیگر هیچ

ثمر فاطمی

درست نیمه‌شب، اتوبوس مسافربری در حاشیه پایانه سنندج مسافرگیری می‌کرد که ناگهان سرنوشت، مسافران اتوبوس را به سفر مرگ برد. یک دستگاه تانکر حامل سوخت از پشت سر با اتوبوس برخورد می‌کند. اتوبوس منفجر می‌شود و نتیجه‌اش می‌شود ۱۱ کشته و ۹ مجروح. این اولین بار نیست که در این جاده حادثه اتفاق می‌افتد و اگر مسوولان فکری نکنند، متاسفانه آخرین بار هم نخواهد بود. شیب زیاد و طول زیاد کمربندی دکتر حسینی شهر سنندج که این حادثه در آن رخ داده است، بستر حوادث جاده‌ای زیادی در این منطقه است. خودروهای سنگین و به ویژه تانکرهای حامل سوخت عراقی و ایرانی که مواد نفتی را از اقلیم کردستان عراق و از شهر مریوان به داخل کشور حمل می‌کنند، پس از عبور از این مسیر به استان‌های جنوبی کشور می‌رسند. کامیون‌ها و تانکرهای حامل سوخت هنگام عبور از این مسیر (به دلیل شیب مسیر) به صورت مکرر مجبور به استفاده از ترمز هستند که این امر منجر به داغ شدن لنت خودرو شده و عملکرد سیستم ترمز را دچار اختلال می‌کند. نتیجه‌اش هم می‌شود انفجار اتوبوس و انسان‌هایی که پشت درهای بسته اتوبوس در جهنم بی‌تدبیری مسوولان می‌سوزند و جهنم کسانی که شاهد این انفجار هستند و کاری از دست‌شان برنمی‌آید و فقط باید تماشاچی سوختن عزیزان یا همشهریان‌شان باشند. همین هم باعث می‌شود که غم مردم تبدیل به خشم شود و در اعتراض به بی‌توجهی مسوولان به وضعیت این جاده بین آنها و نیروی انتظامی درگیری صورت گیرد. البته که درگیری مدت زیادی طول نکشیده و زود آتش خشم‌شان خاموش شده اما آتش قلب‌های سوخته‌شان به این سادگی‌ها خاموش نمی‌شود.

رضایی، مدیر روابط عمومی استانداری سنندج با بیان اینکه علت حادثه نقص فنی در سیستم ترمز نفتکش بوده است اما در حال حاضر وضعیت آرام است و صحنه پاکسازی و اتوبوس و ماشین نفتکش هم جابه‌جا شده‌اند، به «اعتماد» گفت: «این حادثه ساعت دوازده سه‌شنبه شب (بامداد چهارشنبه) رخ داد. ۱۱ کشته و ۷ زخمی داشت. خوشبختانه تعدادی از زخمی‌ها همان جا سرپایی مداوا شدند و ترخیص شدند اما دو، سه نفری هنوز تحت درمان و مداوا هستند که خوشبختانه حال‌شان مساعد است و مشکل خاصی نیست.»

البته تعداد مجروحینی که «مجتبی خالدی» سخنگوی اورژانس اعلام کرد دو نفر از تعدادی که رضایی گفت بیشتر بود: «این حادثه ۱۱ کشته و ۹ زخمی داشته است که ۵ نفر آنها ترخیص شده‌اند و ۴ نفر هنوز در بیمارستان هستند. از این ۴ نفر حال سه نفر مساعد است و مشکل خاصی ندارند اما متاسفانه وضعیت یکی از مجروحان وخیم است که امیدوارم مشکل او هم به زودی رفع شود.» هردوی این مسوولان شایعه ۳۵ نفر کشته در این حادثه را تکذیب کردند و تعداد کشته‌های این حادثه را به طور قطع ۱۱ نفر اعلام کردند.

مدیر روابط عمومی استانداری کردستان در ادامه با اشاره به فوتی‌های این حادثه گفت که آنها در جا، جان خود را از دست داده بودند و پیکرهای برخی از آنها در محل آرامستان شهر سنندج و برخی دیگر در بیمارستان کوثر سنندج قرار دارد. از اجسادشان نمونه DNA برداشت شده است. این افراد شناسایی شده‌اند و اسامی جانباختگان این حادثه تلخ به این شرح است: «پارسا اصلانی، پرویز زمانی، پیمان زمانی، مسعود نصیری، مینا صداقت، سارا آیینه، پارسا آیینه، فوادسیفی، کامران مقبل، فرشاد مرادی، عبدالحسین طاهرویسی (راننده نفتکش).» رضایی درباره درگیری رخ‌داده در این حادثه توضیح داد: «درگیری خاصی نبود. متاسفانه ما حادثه خیلی بدی را پشت سر گذاشتیم. عده‌ای داخل اتوبوس گیر افتادند و انفجاری رخ داد و جلوی چشم مردم عده‌ای در آتش سوختند. طبیعی است که احساسات عده‌ای جریحه‌دار می‌شود. چیز خیلی عجیب‌غریبی نیست. به همین دلیل درگیری مختصری بین مردم و نیروی انتظامی رخ داد که خوشبختانه خود مردم هم مداخله کردند و سریع جمع شد.»

همچنین «رضا میرزایی» مدیرکل امنیتی استان کردستان درباره حواشی تصادف مرگبار در شهر سنندج در این باره به ایسنا گفت: «در پی این حادثه تلخ عده‌ای از مردم در دقایق اولیه این حادثه با دیدن صحنه آتش‌سوزی و پیکر جانباختگان احساساتی شده و با عوامل نیروی انتظامی حاضر در محل حادثه درگیر شدند. عده‌ای معدود از حاضرین در محل حادثه به سمت نیروهای انتظامی سنگ‌پرانی کردند و یک دستگاه سمند را نیز به آتش کشیدند. حواشی این حادثه در لحظه‌های اولیه کنترل شد و تمام‌شده است.»

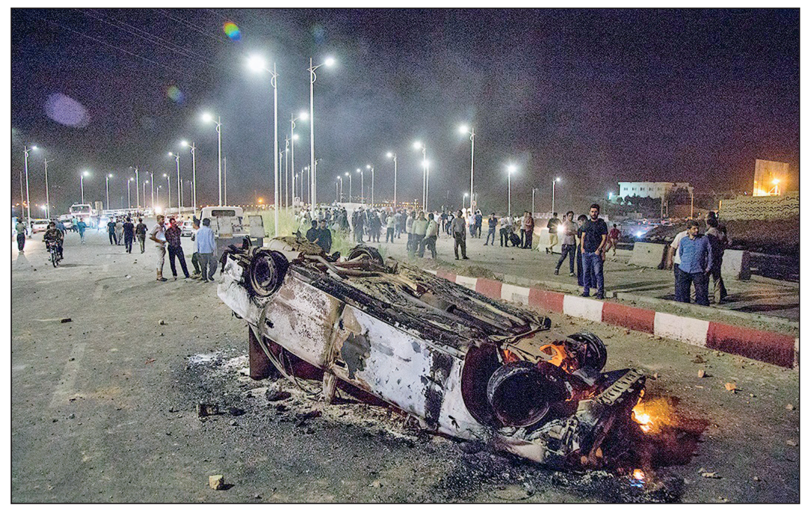

رضایی، مدیر روابط عمومی استانداری کردستان درباره درگیری رخ‌داده در این حادثه توضیح داد: «درگیری خاصی نبود. متاسفانه ما حادثه خیلی بدی را پشت سر گذاشتیم. عده‌ای داخل اتوبوس گیر افتادند و انفجاری رخ داد و جلوی چشم مردم عده‌ای در آتش سوختند. طبیعی است که احساسات عده‌ای جریحه‌دار می‌شود. چیز خیلی عجیب‌غریبی نیست. به همین دلیل درگیری مختصری بین مردم و نیروی انتظامی رخ داد که خوشبختانه خود مردم هم مداخله کردند و سریع جمع شد.»

صالح‌زندی، معاون عملیات آتش‌نشانی سنندج در توضیح این درگیری گفت: «مردم یک مقدار از وضعیت این بلوار ناراحت بودند و می‌گفتند که خیلی وقت است که ما پیگیر هستیم و می‌گوییم این منطقه با توجه به اینکه این منطقه مسکونی است، وضعیت خطرناکی دارد. آنها اعتراض داشتند که چرا مسوولان به این مساله رسیدگی نمی‌کنند. اینکه چرا جاده جایگزینی برای خودروهای سنگین معرفی نمی‌کنند یا چرا وضعیت این جاده را درست و امن نمی‌کنند، از اعتراضات این مردم بود. بنابراین یک مقدار درگیری بین مردم و نیروهای انتظامی هم صورت گرفت. اما خوشبختانه اتفاق خاصی نیفتاد و به خیر برگزار شد.»

او ادامه داد: «کمربندی دکتر حسینی یکی از نقاط حادثه‌خیز شهر ما است. قبلا هم حوادثی در این کمربندی اتفاق افتاده است. متاسفانه شیب این جاده برای ماشین‌های سنگین یک مقدار زیاد است و مسیر هم طولانی است. ماشین‌هایی که به سمت پایین حرکت می‌کنند، مجبور هستند با ترمز و سختی حرکت کنند. بنابراین سیستم ترمز خیلی از ماشین‌سنگین‌ها مخصوصا آنهایی که قدیمی هستند، از کار می‌افتد یا داغ می‌کند و از کنترل راننده خارج می‌شود.»

زندی با بیان اینکه بر اساس چیزی که در سامانه ۱۲۵ ثبت شده است، اولین تماس برای گزارش این حادثه ساعت ۴ دقیقه بامداد گرفته شده است، ادامه داد: «با توجه به اینکه فاصله ایستگاه شماره ۲ سازمان تا محل حادثه نزدیک بود، همکاران ما حدود دو دقیقه و ۳۰ ثانیه بعد در محل حادثه حاضر بودند؛ یعنی ۷ دقیقه بامداد در محل حاضر بودند. با توجه به حجم آتش چهار دستگاه خودروی سنگین دیگر هم به محل اعزام شد و حدود ساعت ۱ و ۱۰ دقیقه حریق کاملا مهار شد.»

یکی دیگر از مسائلی که درباره این حادثه به آن پرداخته شد این بود که عده‌ای می‌گفتند نفتکش عراقی بوده و برخی هم می‌گفتند ایرانی بوده است. فاطمه کاهی، سخنگوی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی درباره نفتکش حادثه‌دیده در سنندج به ایسنا گفت: «نفتکش حادثه‌دیده در حوزه فعالیت‌ها و عملیات شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی نبوده است. این نفتکش گرچه پلاک کرمانشاه داشت، اما یک نفتکش عراقی است که نفت کوره را به سوی بندر امام منتقل می‌کرده است. این نفتکش در اثر برخورد با اتوبوس مسافربری دچار حریق شده است، اما مسوولیت متوجه شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران نیست، زیرا نفتکش حادثه‌دیده زیرمجموعه این شرکت و تابع قوانین بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) شرکت نبوده است.» این سخنان کاهی در حالی است که تنها بازمانده حادثه تصادف سنندج که هم‌اکنون در بخش «آی‌سی‌یو» بیمارستان کوثر سنندج بستری است، گفته است که برخلاف شایعات مطرح‌شده تانکر حامل مواد سوختی عراقی نبوده بلکه ایرانی بوده است و در اثر برخورد، تمام مسافران این اتوبوس جان دادند. او به عنوان کمک‌راننده در کنار راننده در داخل اتوبوس بوده که به طور ناگهانی متوجه می‌شوند یک کامیون به‌شدت با آنها برخورد می‌کند و از آنجایی که بار این تانکر مواد سوختی بوده است، به‌محض برخورد آتش‌سوزی شروع شده و این فرد خود را از شیشه اتوبوس به بیرون پرت می‌کند.

در ۴ تیر سال ۸۳ در حادثه‌ای مشابه در مسیر زاهدان- بم یک تریلی حامل بنزین با ۶ دستگاه اتوبوس تصادف کرد و سرنشینان آن بالغ بر ۱۰۰ نفر قربانی حریق ناشی از تصادف شدند. البته ۲۰ آذر ۹۶ نیز در سیستان و بلوچستان یک پژو و تانکر سوخت حادثه مشابهی را رقم زدند.

اعتماد

فرم درخواست اشتراک روزنامه

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به حساب شماره ۹۸۰۷۰۲۲۲ بانک تجارت شعبه افریقا به نام روزنامه اعتماد واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از دو طریق زیر به امور مشترکین روزنامه تحویل فرمایند.
۱- مراجعه به آدرس میدان توحید- ابتدای خیابان ستارخان- خیابان کوثر دوم- بن‌بست مینو- پلاک ٤
۲- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۵-۶۶۴۰۱۲۲٤

info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

شرایط اشتراک
۱- ساعت تحویل روزنامه ۷ الی ۱۰ صبح می‌باشد.
۲- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.
۳- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.
٤- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.
توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگهداری فرمایید.

هزینه اشتراک یک ماهه	هزینه اشتراک سه ماهه	هزینه اشتراک شش ماهه	هزینه اشتراک یکساله
۵۰۰/۰۰۰ ریال	۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال	۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مشخصات متقاضی
نام و نام خانوادگی .... نام موسسه .... آدرس دقیق ....
کد پستی .... تلفن .... نمابر ....
امضای متقاضی
نوع اشتراک: ☐ یک ماهه ☐ سه ماهه ☐ شش ماهه ☐ یکساله
تعداد نسخ اشتراک
توجه: لطفا نظرات و پیشنهادات خود را از نحوه دریافت روزنامه اعلام دارید

محیط زیست

هشدار درباره زیانباری دود ناشی از آتش‌سوزی هورالعظیم

شکرالله سلمان‌زاده، رییس مرکز بهداشت خوزستان گفت: استنشاق دود ناشی از آتش‌سوزی تالاب هورالعظیم برای بیماران ریوی مضر است. او با اشاره به اینکه دودزدگی عوامل حاد یا درازمدت دارد، گفت: در عوارض حاد برخی افراد که دارای ریه حساس بوده و استعداد بیماری‌های ریوی دارند، ممکن است دچار حمله حاد تنفسی شوند. سلمان‌زاده افزود: افرادی که دچار این حمله فوق می‌شوند به درمان فوری نیاز دارند و اگر مورد درمان قرار نگیرند، حیات آنها به خطر می‌افتد. رییس مرکز بهداشت خوزستان تصریح کرد: کسانی که زمینه بیماری قلبی دارند نیز به دلیل دودزدگی ممکن است دچار حمله قلبی شوند. سلمان‌زاده گفت: عوارض درازمدت دودزدگی هم منجر به افزایش حساسیت‌های تنفسی می‌شود و افراد در درازمدت دچار آسم و تحریک‌پذیری تنفسی می‌شوند.

ادامه از صفحه اول

یادآوری زخم‌های کهنه

این موضوع مردم را با یک زندگی عریان و بی‌پناه تنها می‌گذارد. من معتقد نیستم که کردستان از همه استان‌های کشور محروم‌تر است چون در واقع هم اینگونه نیست. اما جنسی از محرومیت‌های خاص در این استان وجود دارد. به عنوان مثال این احساس وجود دارد که «ما طرد شده‌ایم» نمی‌توانم بگویم این احساس درست است یا غلط اما احساسی است که وجود دارد. احساس نادیده گرفته شدن یک فضا و پیش‌زمینه‌ای را فراهم می‌کند که به محض رخ دادن یک حادثه سبب تشدید خشم و بروز آن می‌شود. در حادثه تصادف سنندج، یک تانکر ترمز برید و با اتوبوس برخورد کرد، معلوم است که این حادثه تقصیر دولت نیست اما تبدیل می‌شود به نشانه‌ای برای بروز خشم‌های دیگری که مردم از دولت و مسوولان دارند. مردم کردستان مشکل نبود راه و کمبود زیرساخت دارند، در بسیاری از نقاط استان به لحاظ صنعتی و فنی زندگی مردم انگار در سال‌ها قبل مانده است و این به احساس تبعیض دامن می‌زند. این وضعیت آسیب‌زا و بحران‌زا است و همین باعث می‌شود هر اتفاقی که در کشور رخ می‌دهد کردستان تبدیل به یکی از نقاط مستعد برای وقوع خشونت شود. متاسفانه دولت تاکنون راهکار منطقی و علمی برای این وضعیت اجتماعی ارایه نکرده‌است.

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

ایرانی تمام‌عیار

اگر آهنگساز به آنها واقف نباشد، پیش از هر چیز موسیقی ایرانی را متضرر می‌کند و خصلت‌هایش را دستخوش تغییر قرار می‌دهد اما احمد پژمان با استفاده از ترفندهای جالب موسیقایی توانسته این توازن را در کارش به وجود آورد. وقتی موسیقی فیلم می‌سازد در تلاش نیست که بیانی معادل تصویر داشته باشد بلکه می‌کوشد تا از فضای فیلم و نظم حاکم بر آن در خلق اثر استفاده کند. به همین دلیل هم موسیقی فیلم‌های او با تصویر گره خورده‌اند. پژمان با قریحه خود لایه‌های مختلف موسیقی را بسیار شفاف کنار هم قرار می‌دهد و ترکیبات تازه‌ای می‌سازد که امضای خاص خودش را دارند. رمز آثار پژمان در این است که ادای ایرانی بودن را در نمی‌آورد. در حالی که بسیاری از آهنگسازان تنها با اضافه کردن چند فاصله «دوم افزوده» می‌کوشند تا مدعای ایرانی بودن داشته باشند او از ویژگی‌های متنوع موسیقی با ظرافت تمام بهره می‌گیرد چرا که یک ایرانی تمام‌عیار است.

پوشش گردشگری

حدود چهار دهه بازار گردشگری کشور به گردشگری زیارتی و تا حدودی به گردشگری تاریخی محدود شده و اکوتوریسم و گردشگری ساحلی به عنوان جذاب‌ترین بخش گردشگری در مناطق آزاد و ساحلی نادیده گرفته شده است. به‌طور مشخص پیشنهاد می‌کنم با رفع یکی از موانع سیاسی گردشگری و آنچه زنان توریست با آن مواجه هستند و جانمایی ۱۵ منطقه آزاد توریستی در سراسر کشور و در خارج از شهرها، انتخاب پوشش به خود گردشگران واگذار شود.

دبیر کمیسیون سلامت و گردشگری اتاق بازرگانی ایران و عراق

کردستان خسته است

من هرگز خشونت را تایید نمی‌کنم اما واکنش‌های مردم را درک می‌کنم، آنها را می‌فهمم و برای همین است که می‌گویم باید با مردم حرف زد، باید برای‌شان قدمی برداشت. داد زدن و شعار دادن و بعد حرف‌ها را بدون عمل رها کردن در شان مردم کردستان نیست. با توجه به وضعیت خاصی که جامعه ما دارد بیشتر از هر زمان دیگری به وحدت و همدلی احتیاج داریم. مدیران بیایند و بگویند چه کاری برای کردستان انجام می‌دهند چون در کردستان وعده دیگر جواب نمی‌دهد.

رییس سابق شورای استان کردستان

جدول

	۱			۸				
	۸			۷	۱		۴	
۷			۵					۶
۶				۴				۵
	۳	۴				۲	۷	
۵				۱				۳
۱					۲			۴
	۷		۸	۹			۵	
				۵			۳	

سودوکو

۵	۸	۲	۴	۹	۶	۷	۱	۳
۶	۹	۳	۲	۱	۷	۸	۴	۵
۴	۷	۱	۸	۳	۵	۶	۲	۹
۸	۳	۶	۱	۴	۹	۵	۷	۲
۷	۵	۹	۶	۲	۸	۴	۳	۱
۲	۱	۴	۵	۷	۳	۹	۶	۸
۹	۲	۸	۳	۶	۴	۱	۵	۷
۱	۶	۷	۹	۵	۲	۳	۸	۴
۳	۴	۵	۷	۸	۱	۲	۹	۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ا	ن	ی	ک	و	ر	■	گ	چ	س	ا	ر	ا	ن
۲	خ	م	س	■	ا	ت	ا	ب	ا	ی	■	ر	ا	ل	ی
۳	ف	ر	■	د	ل	■	ه	ا	ر	■	ت	و	س	ک	ا
۴	ی	■	ا	ز	ج	ه	ن	م	■	م	ر	ی	خ	■	ز
۵	ا	س	ی	د	■	ل	م	■	ا	ب	ا	ن	■	س	م
۶	ن	ا	ل	■	ب	■	ا	ب	ب	ا	ز	■	ت	و	ن
۷	ه	ی	■	س	ه	ر	■	ر	ا	ه	ن	م	ا	■	د
۸	■	ت	ن	د	ب	ا	د	■	ن	ا	ا	م	ی	د	■
۹	د	■	ا	ر	و	م	ی	ه	■	ت	م	ر	■	ی	ن
۱۰	س	ر	س	■	د	ی	ا	ن	ت	■	ه	■	ر	د	ا
۱۱	ت	ی	■	ن	ز	ا	ر	■	ا	د	■	د	ا	ن	ش
۱۲	ن	■	ن	ا	خ	ن	■	د	ی	و	ا	ن	ه	■	ا
۱۳	م	ت	ا	ل	م	■	ک	ر	ب	■	ک	ا	■	ر	ی
۱۴	ا	ن	س	ا	■	ن	ا	د	ا	ن	ی	■	گ	ی	س
۱۵	ز	ی	ا	ن	ک	ا	ر	■	د	ی	پ	ل	م	ا	ت

متقاطع

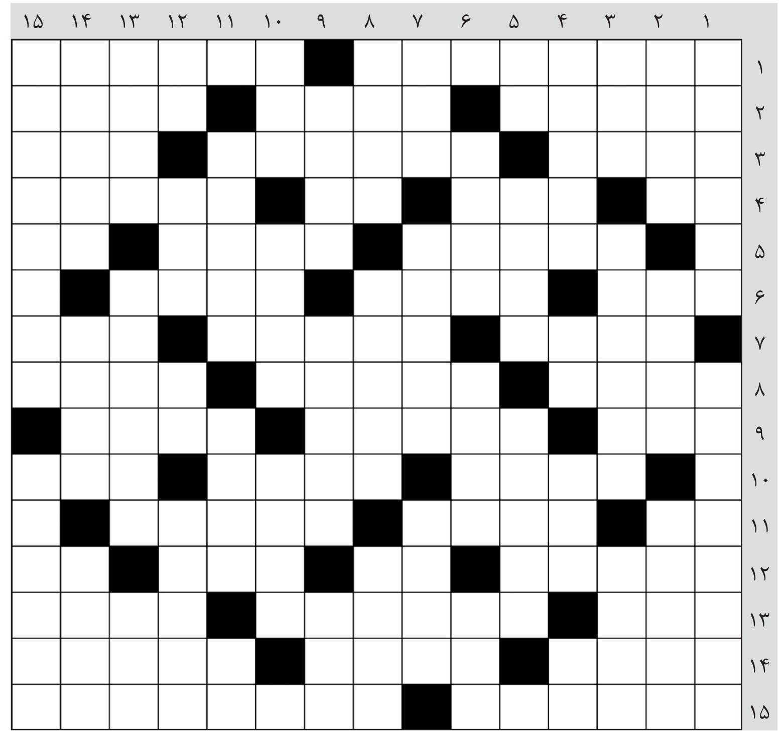

افقی

۱- بلندگو - شیرینی ماه رمضان
۲- دروغ آذری - جدید و نو - سروش غیبی
۳- خیال و گمان - ریاست - ایستگاه فضایی روسیه
۴- طریق کوتاه - پرنده آش سرد کن - پایتخت ریشه‌ای - باران فصلی
۵- کباب شده - مغازه - نفس خسته
۶- واحد پول سوریه - شانه به سر - جوهر
۷- نامعلوم و پیچیده - بیماری‌ها - شهر بادگیرها
۸- ادویه هندی - سبد خرید - ظل
۹- بیسواد - زن گندمگون - هدف تیر
۱۰- خرمافروش - روانه و فرستاده - بانگ
۱۱- دریای عرب - شب دراز - جریمه و غرامت
۱۲- بیماری و رنجوری - تصدیق روسی - نارو - صنم
۱۳- حکم و دستور - آزاد و رها - راه رفتن کودکانه
۱۴- بانگ شغال - بالین - آلبوم موسیقی از مهراج محمدی
۱۵- مدام - تابلوی گران قیمت رنوار

عمودی

۱- دریچه قلب - خلبان انتحاری ژاپن
۲- سخن بیهوده - کبوتر صحرایی - سم خورده
۳- سر انسان - دوری از تمدن - امید
۴- از شهرهای مازندران - خطاب بی ادبانه - قلم نقاشی - بخار دهان
۵- درخت جدول - سنگ تابان - از فنون زیبای کشتی
۶- مقصود - سنگ گرانبها - کلبه ترکمنی
۷- میخ - پنهانی - نشانی
۸- جانشین - دنباله باریکی از گل - جلگه وسیع
۹- از شهرهای کرمان - مدیریت - دیوار بلند
۱۰- دریغ از - آراستگی صفات - الگو
۱۱- خود را به مریضی زدن - معاشرت - دویار هم قد
۱۲- زیر پا مانده - میدانی در تهران - شماره ماه - نام پدر
۱۳- عاجز و درمانده - صحرا - خرید ترکی
۱۴- گوهر بی همتا - فرشی شبیه گلیم - سینه
۱۵- خالق - بهبود زخم